

سرگذشت استقرار سیاست کیفری اسلامی در ایران

محسن عینی (نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

eini@soc.ikiu.ac.ir

صابر قمرتبار

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران.

ghamartabar1900@gmail.com

چکیده

با وقوع انقلاب اسلامی ایران نیروهای سیاسی جدیدی متأثر از اوضاع و احوال انقلاب ظهور کردند که پس از قریب به سه سال کشمکش میان نیروهای سیاسی اسلام‌گرا، لیبرال و مارکسیسم در نهایت نیروهای اسلام‌گرا با پیروزی بر نیروهای لیبرال و مارکسیسم گفتمان اسلامی را بر کشور حاکم کردند و فرایند اسلامی‌سازی قوانین آغاز گردید و حال سوال این است که سیاست کیفری تقنینی اسلامی چگونه استقرار یافت؟ فرضیه این است که با غلبه گفتمان اسلام‌گراها بر سایر نیروها در سطح جامعه، گفتمان انقلاب اسلامی سیطره یافت و زمینه استقرار سیاست کیفری اسلامی فراهم شد. در این تحقیق با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و گردآوری مطالب به شیوه مطالعه کتابخانه‌ای، به تحلیل موضوع در دو بخش می‌پردازیم. بخش اول: غلبه گفتمان انقلاب اسلامی بر سایر گفتمان‌ها و بخش دوم قوام سیاست کیفری اسلامی را به بحث می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که با پیروزی گفتمان اسلامی و استقرار سیاست کیفری اسلامی مبتنی بر آموزه‌های فقهی، تحولات مهمی چون جرم‌انگاری‌های نو، کیفرهای جدید، تدابیر و قواعد کیفری نوین به قانون مجازات راه یافت. اگرچه سیاست کیفری ایران همچنان تحول پذیر است اما تحول مطلوب آن در پرتو کارشناسی عمیق مولفه‌های اثربخش گفتمان جناح‌های سیاسی پیروز است تا از تصویب قوانین نامناسب جلوگیری شود.

واژگان کلیدی:

کلمات کلیدی: گفتمان، سیاست کیفری تقنینی، انقلاب، نیروهای اسلام‌گرا، جناح سیاسی.

The History of the Establishment of Islamic Legislative Penal Policy in Iran

With the Islamic Revolution of Iran, new political forces emerged, influenced by the circumstances of the revolution. After nearly three years of conflict between Islamist, liberal, and Marxist political forces, the Islamist forces ultimately defeated the liberal and Marxist forces and established Islamic discourse in the country, and the process of Islamizing laws began. Now the question is, how was Islamic penal policy established? The hypothesis is that with the dominance of the discourse of Islamists over other forces at the level of society, the discourse of the Islamic revolution dominated and the ground for the establishment of Islamic penal policy was provided. In this research, by using the descriptive-analytical method and collecting materials in the way of library study, we will analyze the issue in two parts. The first part: the predominance of the discourse of the Islamic revolution over other discourses, and the second part discusses the establishment of the Islamic penal policy. The findings show that with the victory of Islamic discourse and the consolidation of Islamic penal policy based on jurisprudence, important developments such as new criminalizations, new punishments, new criminal measures and rules entered the penal code. Although Iran's penal policy is still evolving, its desirable transformation is in the light of the deep expertise of the effective components of the discourse of the victorious political factions in order to prevent the approval of inappropriate laws.

Keywords: Discourse, Legislative Penal Policy, Revolution, Islamist Forces, Political Factions

سیاست کیفری نوع و میزان پاسخ به بزه‌کاری است^۱ و گونه‌های بزه‌کاری و پاسخ‌گذاری کیفری در برابر آن در هر کشور سیاست‌های کلان آن را منعکس می‌کند^۲ و این سیاست‌ها غالباً ناشی از گفتمان‌های حاکم بر آن کشور است، از این‌رو سیاست کیفری و سیاست‌های کلان، متأثر از گفتمان حاکم بر کشور و با هم مرتبط‌اند. در ایران نیز سیاست کیفری همواره تحت تأثیر گفتمان‌های حاکم بر آن بوده که منجر به تغییرات اساسی در آن شده است چنانکه با طرح گفتمان مدرنیسم و به عقیده برخی از صاحب‌نظران با استقرار نظام مشروطه سلطنتی و از همان دوره اول مجلس شورای ملی، فکر تهیه مجموعه‌ای از قوانین مختلف از سوی آزادی‌خواهان دنبال شد^۳ و در حالی که آمادگی مادی و ذهنی برای پذیرش بنیادهای جدید به وجود آمد، با وجود برخی مخالفت‌ها با وضع قوانین عرفی، در نهایت قانون اساسی مورخ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۴ و متمم آن در ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ وضع گردید و به دنبال آن قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ به تصویب رسید که سیاست کیفری عرفی را به نظام کیفری کشور وارد نمود.

بعد از انقلاب اسلامی در اثر باز شدن فضای سیاسی، نیروهای جدیدی در عرصه سیاسی ایران ظهور کردند که هر یک دارای گفتمان ویژه‌ای بودند و اجرای برنامه‌هایی را در سطح جامعه درخواست کردند و از سال ۱۳۵۷ تا ۱۳۶۱ به لحاظ نظری بین این نیروها کشمکش‌هایی وجود داشت. حال سؤال این است که سیاست کیفری جمهوری اسلامی چگونه شکل گرفت؟ فرضیه این است که اسلام‌گراها در نتیجه رقابت با سایر نیروهای سیاسی - اجتماعی و غلبه بر آنان، گفتمان اسلامی را تثبیت کردند که پیامد آن استقرار سیاست کیفری اسلامی است.

این پژوهش به لحاظ اینکه از بُعد جامعه‌شناسی حقوقی و سیاسی به موضوع می‌نگرد و به صورت میان رشته‌ای بحث را به اجرا می‌گذارد، فاقد پیشینه و با سایر پژوهش‌ها متفاوت است. هدف از این تحقیق شناسایی فرآیند شکل‌گیری سیاست کیفری تقنینی اسلامی ایران و نحوه تغییر آن است که از اوایل انقلاب برای تثبیت با موانعی روبه‌رو می‌شود و فضای متشنج و رقابت نیروهای سیاسی برای به کرسی نشاندن گفتمان خود موجب شد که احکام اسلام به صورت کامل و مناسب با شرایط و اوضاع و احوال جامعه تصویب نشود و این پیشینه می‌تواند به ما مدد کند تا به هنگام قانون‌گذاری، از تصویب قوانین شتاب‌زده پرهیز کنیم، همچنین این پژوهش در مقام آن است که رابطه بین سیاست کیفری و سیاست و سیاست‌مداران را بررسی و تحلیل کند.

در این مقاله از روش روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است و به اقتضای ماهیت بحث، در دو بخش سازماندهی شده است. در بخش اول غلبه گفتمان انقلاب اسلامی بر گفتمان‌های معارض را تحلیل و در بخش دوم استقرار سیاست کیفری اسلامی را بررسی می‌کند.

۱- غلبه گفتمان انقلاب اسلامی بر گفتمان‌های معارض

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ به وقوع پیوست ولی گفتمان اسلام‌گرایی آن در همان سال به دلیل وجود نیروهای سیاسی دیگر که در فضای باز آن زمان با دیدگاه‌های متفاوت ظهور کردند، تثبیت نشد و این گفتمان برای تثبیت با موانع داخلی مختلفی روبه‌رو گردید که به شرح آن می‌پردازیم:

۱-۱- گفتمان انقلاب اسلامی

^۱- علی حسین نجفی ابرندآبادی، تازه‌های علوم جنایی (مجموعه مقاله‌ها، کتاب اول، ۱۳۹۲)، ۷۲۸.

^۲- علی حسین نجفی ابرندآبادی، «از جرم‌شناسی تا آسیب اجتماعی شناسی»، تحقیقات حقوقی، زمیمه، ۵۶ (۱۳۹۰)، ۱۰۲۳.

^۳- محمد آشوری، آیین دادرسی کیفری (ج ۱) (تهران: سمت، ۱۳۹۵)، ۱۰۸.

همگام با طلوع نهضت مشروطه فقها به نظریه‌پردازی پیرامون موضوع مورد بحث پرداختند؛ دسته‌ای از آن‌ها مشروطه مشروعه و دسته‌ای دیگر حکومت مشروطه را می‌خواستند. با بررسی نظریات آن‌ها و مستفاد از کلمه «مشروطه» که مورد قبول هر دو دسته بود، در می‌یابیم که هر دو به حکومت پادشاهی مشروطه قائل بودند ولی دسته‌ای پادشاهی مشروط مشروع را که کاملاً مطابق شرع عمل می‌کند، قبول داشتند و دسته دیگر پادشاهی مشروط را که مطابق قانونی که خلاف شرع نباشد، قبول داشتند که نظر اخیر مورد پذیرش قرار گرفت ولی این دو دسته نظری در مورد ولایت فقیه نداشتند. پیروان این نظریه در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ هم چنان به آن پای بند بودند و چالش‌هایی را ایجاد کردند که به آن‌ها خواهیم پرداخت.

بعدها که امام خمینی وارد مبارزات شد مبادرت به طرح نظریه ولایت فقیه نمود. ایشان و پیروانش معتقد بودند، شیوه استبدادی و مشروطه در حکومت اسلامی حاکم نیست^۴، بنابراین امام و پیروان ایشان حکومت مشروطه را غیر اسلامی می‌دانند. درحکومت اسلامی، دین از سیاست جدا نیست و تمام احکام آن از جمله حدود و تعزیرات با سیاست مخلوط است^۵. از این رو انقلابیون احکام جزایی اسلام را آمیخته با سیاست می‌دانند که باید برای اسلامی سازی جامعه این احکام اجرا گردد و این اندیشه بعدها موجب تصویب قوانین جزایی اسلامی در قالب حدود، قصاص، دیات و تعزیرات شد. از نظر امام خمینی فقه جعفری منشا تمام قوانین است^۶ (امام خمینی، ۱۳۷۸/۱: ۸۳) و حدود، دیات و قصاص قوانینی اسلامی، عادلانه و دادگرانه و به مصلحت جامعه و افراد است که اجرای کامل و درست آن‌ها جرم و جنایت را از بین می‌برد^۷ (امام خمینی، ۱۳۷۸/۷: ۴۳۱). از نظرایشان احکام جزایی اسلام که متکی به فقه امامیه است هم رویکرد گذشته‌نگر و هم آینده‌نگر به جرم، مجرم، جامعه و بزه‌دیده دارد.

۲-۱- عدم اقبال دولت موقت به برخی آموزه های فقهی

در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی بر اساس توصیه شورای انقلاب، مهندس بازرگان را به نخست وزیری منصوب کرد^۸. بیشتر اعضای کابینه بازرگان از بین ملی‌گرایان و اعضای نهضت آزادی بودند^۹ و این گفتمان در صحنه سیاسی ایران سیطره یافت. نهضت آزادی هنگام برگزاری رفراندوم بر «جمهوری دموکراتیک اسلامی» تاکید داشت و مهندس بازرگان در مصاحبه‌ای در ۱۳۵۷/۱۱/۰۴ به آن اشاره کرده است^{۱۰}. این نهضت معتقد به حکومت جمهوری اسلامی و ولایت فقیه نبود و با توجه به کلمه «دموکراتیک» می‌خواست حاکمیت مردمی را به جای حاکمیت الهی قرار دهد که یادآور اصل بیست و ششم قانون اساسی مشروطه است که قوای مملکت را ناشی از ملت می‌دانست.

^۴ سید روح‌الله خمینی، شوون و اختیارات ولی فقیه ترجمه‌ی مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع (تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵)، ۲۰-۲۱؛ سید روح‌الله خمینی، ولایت فقیه: حکومت اسلامی (تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۳۴؛ حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ۱) (تهران: کیهان، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۴۰۲)، ۱۳۹-۱۴۰.
^۵ سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۱۰) (تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۲۶-۱۸؛ عبدالله جوادی آملی، ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت، ۱۴۰۲، ۴. دسترس پذیر در: <http://leader.khamenei.com>

حسینعلی منتظری، مبانی فقهی حکومت اسلامی (ج ۱) (تهران: کیهان، ناشر دیجیتال: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۴۰۲)، ۲۹۲-۲۹۶.

^۷ سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۱) (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۸۳.

^۶ سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۷) (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۴۳۱.

^۸ سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۶) (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۵۴.

^۹ کیوان لولویی و ایوب نظری، «دولت موقت از شورای انقلاب از ۲۲ بهمن ۱۳۵۴ تا ۲۲ دی ۱۳۵۷ تا پیروزی انقلاب»، نشریه تاریخ (دانشگاه آزاد

۱-۱۴. <https://sanad.iau.ir/journal/jh/Artical/992283/fullTex> اسلامی- واحد محلات، ۸، ۲۸ (۱۳۹۲)، ۱-۱۴.

۱۰. «بررسی فرایند برگزاری همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸»، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۴/۰۱/۱۱، [history document.ir](http://history.document.ir).

در اصل سوم فصل نخست مرام‌نامه نهضت، مردم را منشأ قدرت و حاکم بر سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود می‌داند و در اصل چهارم این فصل رویکرد عقلانی و علمی را در برخورد و حل مسائل اعتقادی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، مبنائی مطمئن و اثر بخش می‌داند و در اصل هشتم همین فصل خود را متعهد به اعلامیه جهانی حقوق بشر می‌داند. نهضت آزادی خواستار جدایی دین از حکومت و نفی هرگونه امتیاز، جایگاه و حقوق برای روحانیت است. در بند نوزده فصل سوم بر استقلال قوه قضائیه، انتخاب مقام ارشد قضایی توسط مردم و توسعه صلاحیت محاکم عمومی و حذف محاکم اختصاصی دادگاه انقلاب و دادگاه ویژه روحانیت تأکید دارد.^{۱۱} نهضت آزادی زن و مرد را برابر می‌داند و بر این باور است که مرد هیچ برتری مادی و معنوی نسبت به زن ندارد و زن تحت سلطه او نیست.^{۱۲} این نهضت به جای خداوند، مردم را منشأ قدرت حکومت می‌داند و با اصرار بر رویکرد عقلی و علمی، رویکرد شرعی به تمام مسائل را نمی‌پذیرد و هر مسأله‌ی شرعی که با عقل و علم همخوانی نداشته باشد را قبول ندارند و خواهان سکولاریسم هستند که در آن دین از سیاست جدا است. نهضت آزادی، پای بندی خود به اعلامیه حقوق بشر که در مواردی با اسلام مباینت دارد را اعلام می‌کنند و از این روی سلطه مرد بر زن (وفق آیه ۳۴ سوره نساء) را بر نمی‌تابند.

نهضت آزادی سیاست کیفری اسلامی را قبول نداشتند و اگر گفت‌مان آن، ارکان حاکمیت کشور را تصاحب می‌کرد، همان سیاست کیفری دوگانه عرفی - شرعی یا شاید سیاست کیفری عرفی را دنبال می‌نمود که با سیاست کیفری اسلامی، سازگاری تام ندارد. این باور به این دلیل است که اولاً بخش قابل توجهی از دولت موقت از جبهه ملی بود که اعتقادی به سیاست کیفری اسلامی نداشتند و بعدها نیز مخالفت خود را تشریح کردند؛ ثانیاً اکثریت دولت موقت را نهضت آزادی و وابستگان آن تشکیل می‌داد و زمانی که امام خمینی در اثر مخالفت جبهه ملی با لایحه قصاص حکم ارتداد جبهه ملی را صادر کرد و از اعضای نهضت آزادی خواست که حساب خود را از آن‌ها جدا کنند، این کار را نکردند^{۱۳} و ثالثاً آن که امام خمینی بعداً اعلام کردند: « نهضت آزادی صلاحیت هیچ امر از امور دولتی یا قانون‌گذاری یا قضایی را ندارد و با فقه اسلامی آشنا نیستند »^{۱۴}. به دنبال تسخیر سفارت آمریکا در ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تأیید امام، دولت موقت استعفا داد و این گفت‌مان از صحنه سیاسی - اجتماعی ایران خارج شد.

۳-۱- حکم ارتداد جبهه ملی

جبهه ملی بنا بر اساسنامه خود بر اصلاحات با حفظ قانون اساسی و نظام پادشاهی تأکید می‌کند، هرچند در وضعیت انقلابی کشور مواضع تندیی در مقابل رژیم شاه گرفت. با عضویت گروه ملی - مذهبی نهضت آزادی، در جبهه ملی مخالف بودند و عامل مذهب و نیروهای مذهبی را نادیده می‌گرفتند. سنجایی در ملاقات با امام، از اعلام غیرقانونی و نامشروع بودن رژیم سلطنتی خوداری کرد و تنها با ملاحظه امام و برای حفظ موقعیت و کسب وجهه مردمی، اعلامیه‌ای سه ماده‌ای صادر کرد و بر غیرقانونی بودن نظام پادشاهی و عدم امکان سازش با شاه اشاره نمود ولی در خفا همچنان دنبال سازش با شاه بودند به گونه‌ای که برخی از رهبران آن که در ۲۷ آذر ۱۳۵۷ زندانی بودند به مقامات ساواک می‌گفتند هر چه بازداشت ما طول بکشد میدان برای روحانیون خالی می‌ماند و ما باید در آینده در مقابل آن‌ها ایستادگی کنیم^{۱۵}. در واقع، جبهه ملی نظام سلطنتی مشروط را قبول داشت و مخالف روحانیون بود.

^{۱۱} - «مرام‌نامه نهضت آزادی، ایران و راهبردها و سیاست‌ها»، نهضت آزادی، ۱۴۰۰/۰۶/۲۵، <https://nehzate-azadi.org>

^{۱۲} - «خانواده و نقش آن از نظر اسلام»، *روزنامه میزان*، ۱۳۵۹/۰۶/۱۸، ۲.

^{۱۳} - سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۱۴) (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۴۵۵.

^{۱۴} - سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۲۰) (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۴۸۱.

^{۱۵} - جبهه ملی به روایت اسناد ساواک (ج ۱) (تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹)، ۱۱-۷.

از نظر ساواک در شورای مرکزی جبهه ملی در ۲۸ مهر ۱۳۵۷ گروه‌هایی با گرایش مذهبی، مذهبی میانه‌رو و غیرمذهبی بودند.^{۱۶} جبهه ملی از اعضا و اقشار مختلفی شامل افراد مذهبی تشکیل شده بود ولی آن‌ها خواستار تشکیل حکومت اسلامی نبودند. بعداً عده‌ای از آن‌ها عضو دولت موقت شدند و در پیشنهادهایی که برای اصلاح قانون اساسی مطرح کردند، اصل یک آن مبنی بر تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران را پذیرفتند، اصل دو یعنی ابتدای نظام جمهوری اسلامی برپایه «توحیدی» و اصل سیزده که دین اسلام را به عنوان مذهب رسمی کشور معرفی می‌کرد، قبول نمودند.^{۱۷} به نظر می‌رسد این نظرات برای آن بود تا خط‌مشی خود مبنی بر عدم قصد مخالفت با حکومت اسلامی را ظاهر سازند.

در اصل اول اصول هفت‌گانه جبهه ملی بر نظام جمهوری، دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون و در اصل سوم بر جدایی دین از حکومت تأکید دارد. در فصل اول بند ۱ منشور جبهه ملی نظام اداری کشور را جمهوری پارلمانی متشکل از رئیس‌جمهور و هیئت وزیران و مجلس شورای ملی و مهستان و در بند دوم بر جدایی دین از سیاست تأکید دارد. در فصل چهارم بند دوم بر آزادی مذهب و در بند چهارم رسانه‌ها را برای خدمت به فرهنگ ایران مورد شناسایی قرار می‌دهد و در فصل هفتم بر کاهش دخالت دولت در اقتصاد معتقد است. از این‌رو آن‌ها جمهوری اسلامی، دموکراسی اسلامی، حقوق بشر اسلامی و جدا نبودن دین از سیاست، ولایت فقیه و بکارگیری رسانه برای خدمت به اسلام و اقتصاد اسلامی را قبول نداشتند و در صورت برتری جبهه ملی گفتمان سیاست کیفری غیردینی و به صورت عرفی دنبال می‌شد و دیگر از جرایم شرعی خبری نبود.

جبهه ملی در جریان اشغال سفارت آمریکا، موضع‌گیری کردند ولی جبهه‌گیری آن‌ها، قبل و بعد از افشاگری دانشجویان متفاوت بود؛ چند روز بعد از گروگان‌گیری، با صدور اطلاعیه آمریکا را محکوم کردند ولی بعد از افشاگری ناشی از سندهای سفارت آمریکا، لحن جبهه ملی تندتر شد و در اطلاعیه‌های بعدی صادره، از اشغال سفارت آمریکا به عنوان خیانتی به انقلاب و آرمان‌های آن و اقدامی از سوی هیئت حاکمه خودکامه برای نیل به مقاصد خود با ملعبه قرار دادن حیثیت و غرور ملی ایران، یاد شد و آن را یک خیمه شب بازی خواند.^{۱۸} این مواضع جبهه ملی ادامه داشت تا اینکه لایحه حدود و قصاص در تاریخ ۰۹ / ۱۲ / ۵۹ به تصویب هیئت وزیران رسید و در تاریخ ۱۴ / ۱۲ / ۵۹ تقدیم مجلس شد.

پس از این، جبهه ملی واکنش شدیدی از خود نشان داد و اعلامیه‌ای در تاریخ ۱۹ / ۰۳ / ۶۰ به شرح زیر صادر کرد: «جبهه ملی ایران در روز ۲۵ خرداد ماه علیه استبداد، قانون شکنی، خودکامگی، لواط غیر انسانی، تاراج هستی و فرهنگ ملی و خطراتی که استقلال کشور را تهدید می‌کند با بانگی رسا اعتراض خواهد کرد». از این‌رو جبهه ملی حکومت اسلامی را به استبداد و قانون شکنی و خودکامگی متهم کرد و لایحه حدود و قصاص را غیرانسانی نامید.

آیت‌الله گلپایگانی و آیت‌الله مرعشی، اقدام جبهه ملی را محکوم کردند و منکران حکم قصاص را مرتد خواندند.^{۱۹} امام خمینی نیز در سخنرانی خود در ۲۵ / ۰۳ / ۶۰ آنها را با توجه به موضع‌گیری در مقابل نص صریح قرآن محکوم نمود و از افراد نهضت آزادی خواست که حساب خود را از این‌ها جدا نمایند و از مردم خواست که در مقابل این گروه جبهه‌گیری کنند و ضمن محکوم کردن جبهه ملی به ارتداد، مصدق را نیز غیرمسلمان خواند.^{۲۰} به عقیده برخی حکم ارتداد جبهه ملی، خلاف بین موازین شرع است چرا که منتقدان لایحه قصاص

^{۱۶} - سیر مبارزات امام خمینی به روایت اسناد ساواک (ج ۱۲) (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶)، ۶۰۱.

^{۱۷} - جبهه ملی، نظرها و پیشنهادهای جبهه ملی ایران درباره پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (تهران: جبهه ملی، ۱۳۵۸)، ۵-۲.

^{۱۸} - علی کریمی مله، «تاریخ چهل ساله جبهه ملی»، نشریه پانزده خرداد، ۲۰۱، (۱۳۷۵)، ۶۳-۲۳.

^{۱۹} - «نواوری شهید بهشتی در منصب قضا»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۹/۰۴/۰۷، irdc.ir.

^{۲۰} - سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۱۴) (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۴۶۱.

منتقد یک لایحه بشری بودند نه حکم الهی قصاص و از نظر آنها این کار هیچ ملازمه‌ای با انکار خدا و رسول خدا ندارد همچنین حکم به نام‌سلمان مصدق را کاملاً خلاف موازین شرعی می‌دانند و رد می‌کنند^{۲۱}. بعد از صدور حکم ارتداد، جبهه ملی که در طول دوران مبارزه خود تعلق خاطر را به ایرانیت نشان می‌داد، از گردونه رقابت سیاسی خارج گردید.

۴-۱- نفی فقه سنتی توسط حقوقدانان

علاوه بر اعلامیه جبهه ملی، حقوقدانان هم بیانیه‌ای در مورد لایحه حدود و قصاص صادر نمودند و ایراداتی بر آن وارد کردند. از نظر آنان: «نباید چهره اسلام را با قالب و لباس کهنه ارائه کنیم بلکه باید با اجتهادهای نو و بدیع، مقررات اسلام را با اوضاع اخلاقی و اقتصادی جامعه تطبیق دهیم. بر اعتبار موضوعی شهادت و سوگند در قتل عمد نمی‌توان تکیه نمود و قتل را نمی‌توان واقعه‌ای خصوصی بدون در نظر گرفتن حق جامعه به حساب آورد. شهادت زنان را در قتل عمد نمی‌توان بی‌اعتبار خواند. دادرسی باید در اختیار مقامات عمومی قرار گیرد تا زمینه ارتکاب قتل و فرار از مجازات به بهانه اجرای قانون به ویژه در مورد ناسزا گفتن به مقدسات مذهبی که اثر خارجی بر آن مترتب نیست، فراهم نگردد و اینکه باید در اجتهادها از علوم جدید استفاده شود. در لایحه حدود و قصاص، نشانی از علوم طبیعی و ریاضی و روانشناسی و جرم‌شناسی برای کشف جرم و اصلاح مجرم دیده نمی‌شود^{۲۲}. حقوقدانان معتقد بودند که قوانین اسلام را نباید به شیوه‌های قدیمی وضع و اجرا نماییم و مقررات آن باید با اجتهادهای نو در پرتو علوم جدید همچون جرم‌شناسی، ریاضی و روانشناسی ارائه گردد. آنان در قتل عمد قائل به حق جامعه به عنوان متضرر بودند و آن را یک مساله خصوصی بین قاتل و مقتول نمی‌دانستند و اعتقادی به جرم‌انگاری سب النبی و اهانت به مقدسات به دلیل نداشتن بزه‌دیده نداشتند. امام خمینی با محکوم کردن جبهه ملی به ارتداد، عمل آن‌ها را به عمل حقوقدانان تشبیه نمود و به نوعی حقوقدانان موافق با مواضع جبهه ملی را هم مرتد دانست و بدین ترتیب آن‌ها از صحنه سیاست و جامعه ایران برکنار شدند و راه برای استقرار حکومت اسلامی و اجرای قوانین فقهی، هموارتر شد.

۵-۱- تقابل آیت‌الله شریعت‌مداری با نظریه ولایت فقیه

آیت‌الله شریعت‌مداری در پیام به امام اشاره‌ای به مقام امام خمینی در نهضت اسلامی و ذکر لقب «امام» نکرد. از تشکیل دولت جمهوری اسلامی حمایت کرد و هدف خود و امام را یکسان می‌دانست ولی دیری نپایید با تأیید و حمایت از حزب جمهوری خلق مسلمان، به طور مشخص کوشید خود را به عنوان قطبی در برابر امام مطرح کند. ایشان، مخالفت خود را با نظریه ولایت فقیه علنی ساخت و اعتقاد داشت که به دیکتاتوری منجر می‌شود و بر این باور بود که ولایت فقیه در اسلام در جاهایی است که صاحب ندارد و به دادگاه‌های انقلاب انتقاد نمود و به قانون اساسی رأی نداد^{۲۳}. ایشان پیرو علمای دوران مشروطه بود که به تشکیل حکومت اسلامی در عصر غیبت و اجرای احکام اسلامی در این دوران اعتقاد نداشت و ولایت فقها را به امور حسبی محدود می‌دانست و با برخوردهای که در این دوران توسط دادگاه انقلاب با مردم صورت می‌گرفت، مخالف بود.

با تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی مخالفت کرد. برخی نظرات ایشان با امام موافق نبود و بر این عقیده بود که در همه پرس‌ی باید مردم را آزاد گذاشت تا هر نوع نظامی را که می‌خواهند، انتخاب کنند^{۲۴}. آیت‌الله شریعت‌مداری اعتقادی به حکومت جمهوری اسلامی که توسط امام مطرح شد، نداشت و خواستار انتخاب گزینه‌های دیگری که توسط سایر گروه‌ها مطرح شده بود، هستند.

^{۲۱} - «لایحه قصاص و حکم ارتداد جبهه ملی»، محسن کدیور، <http://kadivar.com/?p=16159>، ۱۳۹۶.

^{۲۲} - «بیانیه عده‌ای از حقوقدانان و قضات دادگستری در رابطه با لایحه قصاص»، روزنامه انقلاب اسلامی، ۳۰ / ۰۱ / ۱۳۶۰.

^{۲۳} - «گذری بر زندگی علمی و سیاسی آقای سید کاظم شیعت‌مداری»، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۱ / ۰۱ / ۱۴۰۴.

^{۲۴} - حمید پارسانیا، قاسم زائری، قاسم و زینب اعلمی، «بررسی مقایسه‌ای مواجهه امام خمینی و علمای سنتی با سنت (در دوره منتهی به انقلاب اسلامی)»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۲، ۶ (۱۳۹۴)، ۸۸-۶۱.

حزب جمهوری خلق مسلمان از نوعی اسلام سیاسی لیبرال حمایت می‌کرد و اعلام نمود تا زمانی که اصل مربوط به ولایت فقیه اصلاح نشود، در انتخابات شرکت نخواهد کرد.^{۲۵} این مواضع ایشان، ناآرامی‌هایی را در قم و تبریز به پا کرد. در نهایت سخنرانی امام درباره حوادث آذربایجان و تبریز باعث تظاهرات جامعه مدرسین و دانشجویان پیرو خط امام شد که در چارچوب آن، همه تقاضای انحلال این حزب را کردند و در نهایت با اشغال مکان این حزب، به کار آن‌ها پایان داده شد.^{۲۶} و در ۳۱ فروردین ۱۳۶۱ با حکم مدرسین و مجتهدین عالی رتبه قم، آیت الله شریعت‌مداری از مرجعیت خلع گردید. بدین ترتیب یکی دیگر از نیروهای رقیب اسلام‌گرایان، منحل و گفتمان آن از صحنه سیاسی ایران خارج شد.

۶-۱- پذیرش التقاطی احکام اسلامی

سازمان موسوم به مجاهدین خلق بعد از پیروزی انقلاب از همان ابتدا به مخالفت با جمهوری اسلامی برخاستند.^{۲۷} با اصل ولایت فقیه در قانون اساسی مخالفت کردند و به قانون اساسی رأی ندادند.^{۲۸} این سازمان همانطور که از کلمه «خلق» پیدا است گرایش به آموزه‌های مارکستی و نوع حکومت آن داشته است و ارزشی برای جمهوری اسلامی و ولایت فقیه قائل نیست.

سازمان مزبور از ابتدا اسلام را یک دین جامع و کامل نمی‌دانست و بر این نظر بود که بشر می‌تواند از طریق علم به همان حقایقی که انبیاء از راه وحی به آن رسیده‌اند، دست یابند. معاد را سیر تکاملی در همین دنیا و به شیوه مارکسیسم می‌دانستند. زیربنای سازمان، مارکسیسم و روبنای آن مذهبی بود. سازمان معتقد بود که اسلام اصیل را باید از قرآن و نهج‌البلاغه بر پایه استنباطات خود سازمان به دست آورد. پیامبر و امامان را از خطا مصون نمی‌دانستند و در مورد امام عصر (عج) بحث نمی‌کردند. خمس، زکات، مزارعه، مساقات، ارث، مالکیت خصوصی همچنین مرجعیت، تقلید و رساله‌های علمیه را نمی‌پذیرفتند ولی نسبت اخلاقی، تکامل، جامعه بی‌طبقه توحیدی، علم‌گرایی تجربی و اسلام منهای روحانیت را می‌پذیرفتند.^{۲۹} و اسلام را مطابق تفسیرسازمانی خود، قبول داشتند.

پس از اشغال سفارت آمریکا، به کنسول‌گری آمریکا در تبریز و شیراز هجوم بردند و آنجا را تسخیر کردند. تعدادی از نیروهای چپ هم به سفارت انگلیس در تهران حمله کردند و آنجا را اشغال نمودند که این با واکنش امام و دانشجویان پیرو خط امام مواجه شد.^{۳۰} و منشأ اختلاف بین مجاهدین خلق و نیروهای مسلمان شد که در بخش بعدی به تشریح آن می‌پردازیم.

گروه چپ‌گرای دیگر یعنی فرقان معتقد بودند که نظام جمهوری اسلامی یک نظام مرتجع و غیرتوحیدی و از نوع رژیم‌های محافظه‌کار است و از نگاه تاریخی، حکومتی است که به روش شیخین و بنی‌مروان اداره می‌شود. اعتقاد به نیابت عامه در زمان غیبت نداشتند و ولایت فقیه را رد می‌کردند و به اولویت فقیه و دین‌شناس معتقد بودند. ولایت و حاکمیت سیاسی را دو موضوع مجزا می‌دانستند و می‌گفتند فقیه و دین‌شناس هم مثل همه افراد جامعه حق اداره جامعه را دارد ولی حاکمیت و آمریت ندارد. نگاه منفی به روحانیت داشتند و به اسلام

^{۲۵} - مرکز اسناد انقلاب اسلامی. «نقش مردم در حل بحران حزب خلق مسلمان». ۱۳۹۷/۱۱/۱۷. irdc.ir

^{۲۶} - احمدرضا شاه علی، «تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان سیاسی داخل کشور»، نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان معاصر، ۳، ۲، ۱۳۹۱، ۱۴۳-
^{۱۳۳}-۱۷۱، <https://priw.ir/article-1-106-fa.html>

^{۲۷} - سید حسین هاشمی، «زنان و کودکان قربانیان فرقه تروریستی منافقین»، فصلنامه شورای راهبردی - مطالعات راهبردی زنان، ۱۱، ۴۳ (۱۳۸۸)، ۱۸۴-۱۲۵
20.1001.1.20082827.1388.11.0.1.8.

^{۲۸} - وحید خضاب، مروری بر تاریخچه و تفکرات سازمان مجاهدین خلق (تهران: سوره مهر، ۱۳۹۶)، ۱۹۱-۱۹۳.

^{۲۹} - قدرت‌الله بهرامی، سازمان مجاهدین خلق (قم پژوهشکده تحقیقات اسلامی: زمزم هدایت، ۱۳۹۱)، ۸۷-۱۴۰.

^{۳۰} - حسن بهشتی‌پور، «نقش امام خمینی در مدیریت بحران گروگانگیری لانه‌ی جاسوسی آمریکا»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۸، ۳۰ (۱۳۹۸)، ۹۳-۱۲.

منهای روحانیت اعتقاد داشتند^{۳۱}. از این رو با توجه به اعتقاد آن‌ها به اسلام و عدم اعتقاد به ولایت فقیه در صورت پیروزی این گفتمان، حکومت و سیاست کیفری اسلامی تشکیل نمی‌شد ولی حکومتی شبیه به حکومت‌های موسوم به اسلامی منطقه تشکیل می‌گردید که فقط برخی از احکام اسلامی مورد پذیرش قرار می‌گرفت.

بنابراین با توجه به ماهیت این گروه‌ها، با پیروزی هر یک از گفتمان‌های مذکور، سیاست کیفری غیراسلامی بر کشور حاکم می‌شد که در آن قوانین و مجازات‌های شرعی جایگاهی والا نداشت.

۷-۱- مخالفت مطلق با حکومت اسلامی

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران پس از انقلاب به دو بخش اکثریت و اقلیت تقسیم شد و از مهمترین علت‌های انشعاب آن اختلاف در نحوه برخورد با جمهوری اسلامی و مبارزه مسلحانه با آن بود که اکثریت به آن اعتقاد نداشتند. اقلیت، هیئت حاکمه را انقلابی و مردمی نمی‌داند و حاکمیت روحانیون را بورژوازی قلمداد کرده و حکومت جمهوری اسلامی را مزدور خواندند^{۳۲}. این سازمان در اساسنامه‌اش، خود را یک سازمان مارکسیست - لنینیست معرفی می‌کند که هدفش را سوسیالیسم و کمونیسم می‌داند و حکومت اسلامی، امام خمینی و لیبرال‌ها را نمی‌پذیرد و بر مبارزه مسلحانه با آن‌ها تأکید دارد. سرانجام این گروه از کشور خارج و در انزوا قرار گرفت.

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر به عنوان انشعابی از سازمان مجاهدین خلق در ۱۳۵۷/۰۸/۱۶ به وجود آمد و معتقد بودند که قدرت سیاسی در اختیار لیبرال‌ها است که می‌کوشند جناح‌های دیگر و حتی امام خمینی را به سمت برنامه‌های ضد انقلابی خود بکشانند. آن‌ها بر تشکیل مجلس مؤسسان تأکید می‌کردند و به تغییر اسم مجلس مؤسسان به خبرگان و محدودیت اعضای آن معترض بودند و آن را یک اقدام غیراصولی و ضد دموکراتیک می‌دانستند. انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کردند ولی انتخابات مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان را تحریم نکردند و هدف از این رویکرد را افشای ماهیت رژیم و تضعیف نظام اسلامی می‌دانستند^{۳۳} و همچون سازمان موسوم به مجاهدین خلق، اسلام و احکام آن را نمی‌پذیرفتند اما این سازمان نیز با مرگ و اعدام بسیاری از رهبران و طرفداران خود دیر نپائید و در سال ۱۳۶۱ فروپاشید و بدین ترتیب نیروهای اسلام‌گرا، تمام جریان‌ها و نیروهای دیگر را به حاشیه راندند و گفتمان انقلاب اسلامی فائق شد و سیاست کیفری مورد نظر خود را پیگیری و مستقر کرد که به شرح زیر به آن می‌پردازیم.

۲- استقرار سیاست کیفری اسلامی

بعد از مستقر شدن نظام جمهوری اسلامی تلاش‌های زیادی برای برتری گفتمان اسلام‌گرایی و فقه انجام شد و سرانجام سنت بر مدرنیسم غالب شد. گفتمان سنت‌گرای ایدئولوژیک با تلاش در مسیر زنده کردن سنت‌های اسلامی و شیعی در برابر گرایش‌های غیراسلامی، از نظم اجتماعی، وحدت و یکسان‌سازی فرهنگی و همسویی فکری و اجتماعی در چارچوب هویت مورد نظر خویش، پشتیبانی کرد و کوشش کرد انسان و جامعه را به روش‌های ضد لیبرالی و بر طبق ارزش‌های سنتی تعریف و بازسازی نماید^{۳۴}؛ نمود این سنت‌گرایی، تصویب برخی قوانین اسلامی مغایر با قوانین غرب در همه زمینه‌ها است.

^{۳۱} - محمد حسن روزی طلب، ترکیب التقاط و ترور (بررسی عملکرد و اسناد گروه فرقان) (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲)، ۳۱-۲۹.

^{۳۲} - محمود نادری، چریک‌های فدائی خلق (ج۲) (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰)، ۱۸۵-۱۷۷.

^{۳۳} - حسین آحمدی روحانی، سازمان مجاهدین خلق (تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴)، ۲۰۵-۲۱۱.

^{۳۴} - ابوالقاسم طاهری و حسین کریمی فرد، «هویت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مطالعات روابط بین‌الملل، ۵، ۱۸ (۱۳۹۱)، ۱۲۵-۱۵۴.

۱-۲- ارجاع به شرع و کاربست کیفرهای اسلامی

با تصویب قانون اساسی که به تثبیت اسلام سیاسی و فقهاتی منجر گردید، دو رقیب دیگر آن یعنی اسلام سیاسی لیبرال و اسلام سیاسی چپ به حاشیه رانده شد.^{۳۵} هر چند که با تصویب قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ اصول قانون اساسی تحت تأثیر شرع اسلامی و مطابق گفتمان انقلاب اسلامی از جمله در تمام زمینه‌های خارجی و داخلی به خصوص سیاست کیفری قرار گرفت ولی هنوز گفتمان انقلاب اسلامی سیطره پیدا نکرده بود.

به دنبال موفقیت انقلاب اسلامی و سیطره گفتمان انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی فقهاتی با طرد رقیبان گفتمانی خود، سر رشته کارها را به دست گرفت. پس از ساقط شدن دولت بنی صدر و کنار زدن لیبرال‌ها از طرف نیروهای انقلابی، سال ۱۳۶۰ شروع فرایند نوینی از انقلاب اسلامی شد. امام خمینی در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری آیت‌الله خامنه‌ای، این زمان را به عنوان مستقر شدن حکومت اسلامی نام نهادند.^{۳۶} بعدها اسلامی نمودن دولت در قلمروهای قانون، عدالت و آموزش و پرورش تأثیر عمیقی بر جامعه ایران گذاشت^{۳۷} و بدین ترتیب با سیطره گفتمان انقلاب اسلامی و استقرار حکومت اسلامی، زمینه اسلامی سازی قوانین فراهم شد.

اولین قوانین جزایی تحت تأثیر فقه اسلامی، جرایم مستحق حد، قصاص، تعزیرات و دیات را به صورت قانون تنظیم کرد و به گونه‌ای اصل قانونی بودن جرم و مجازات تأمین شد. آخرین قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز همین رویکرد را دنبال کرد ولی ماده ۲۲۰ آن در باب حدود، اجازه رجوع به شرع به منظور شناسایی سایر حدود طبق اصل ۱۶۷ قانون اساسی را مورد تصریح قرار داده است. وفق ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، تعزیرات غیرمنصوص قابلیت وضع و اجرا پیدا کردند در صورتی که در گذشته مطابق موازین شرع اجرا می‌گردید. وزن سنت ارجاع به شرع در قوانین قبل از انقلاب همانند قوانین پس از انقلاب نیست اما اعمال آن در هر دوره با چالش‌های بسیاری همراه بوده است زیرا فارغ از این که ارجاع به شرع می‌تواند به تضعیف و نادیده‌انگاری اصل قانونی بودن جرم و مجازات منجر شود، اختلاف نظر میان فقها خود مانعی در اعمال سنت ارجاع به شرع است و اقبال قانون‌گذار -و نه قاضی- به یک نظر و فتوای فقهی راه سهل‌تری برای اجرای هم‌زمان اصل قانونی بودن و منظور کردن آموزه‌های فقهی است؛ اگرچه گاه اقبال اولیه قانون‌گذار به یک نظر و فتوا همیشه با موافقت شورای نگهبان و اعتبار یافتن یک قانون، مواجه نمی‌شود چنانکه وفق ماده ۹۹ لایحه حدود و قصاص شورای عالی قضائی سال ۱۳۵۹، در صورتی که طرفین زنا از اقلیت‌های دینی رسمی باشند، حاکم شرع می‌توانست درباره آن‌ها طبق قوانین اسلامی حکم کند یا به مراجع دینی خودشان ارجاع دهد و به این ترتیب لایحه مزبور با یک نوآوری برای غیرمسلمانان حق قضا را به رسمیت می‌شناخت. همچنین در لایحه مزبور، حکم کشتن غیرمسلمان توسط مسلمان به سکوت برگزار شده بود، ولی در ماده ۲۳ لایحه مصوب کمیسیون حقوقی و قضائی برای آن دیه تعیین شد، اما این پیش‌بینی‌ها سرانجام لباس قانون به تن نکرد.

زمانی که لایحه تعزیرات در دست تهیه و بررسی بود بر سر تعیین میزان تعزیر بین نهادهای قضائی و تقنینی، اختلاف واقع شد؛ شورای عالی قضائی و مجلس خواهان تعیین قانونی نوع و میزان تعزیر و در مقابل شورای نگهبان، مخالف آن بود و با وجود میانجی‌گری رئیس‌جمهور و استفتاء از امام و سایر فقها و تشکیل کمیسیون‌های مشترک، این اختلاف حل نشد و در نهایت نظر مجلس حاکم شد و با خواست مجلس، قانون تعزیرات به نظام عدالت کیفری ایران راه یافت و بر اساس آن، دادرس در تعیین میزان تعزیر بین کمینه و بیشینه

^{۳۵} - حسین خانی، «انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و صورت‌بندی خرده گفتمان عدالت»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۴، ۵۰، (۱۳۹۶)، ۱۶۳-۱۸۴.

^{۳۶} - همان، ۱۶۳-۱۸۴.

^{۳۷} - ابوالقاسم طاهری و حسین کریمی فرد، «هویت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مطالعات روابط بین‌الملل، ۵، ۱۸، (۱۳۹۱)، ۱۲۵-۱۵۴.

مجازات تعزیری مخیر شد^{۳۸}. این راه کار امروز هم برقرار مانده تا هم اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها تأمین شود و هم از جرم‌انگاری و کیفرگذاری بی‌حد و مرز جلوگیری بعمل آید ولی این تدبیر دارای انعطاف است تا دادرسان بتوانند با توجه به خصوصیات مجرمین آن‌ها را مجازات کنند و اصل فردی کردن مجازات‌ها در جایگاه بالاتری مورد توجه قرار گیرد.

پیش از انقلاب، باب سوم قانون مجازات عمومی در فصل اول از ماده ۱۷۰ تا ماده ۱۹۲ به قتل و ضرب و جرح اختصاص داده شده است. ماده ۱۷۰ جرم قتل عمدی را مورد پیش‌بینی قرار داده است و از ظاهر ماده بر می‌آید که قتل عمدی با قصد سلب حیات محقق می‌گردد ولی طبق ماده ۱۷۱ استفاده از آلت قتاله موجب می‌گردد که قتل، عمدی محسوب شود و اگر آلت، قتاله نباشد و قصد سلب حیات نیز نباشد، قتل واقع عمدی محسوب نمی‌شود و مرتکب به حبس محکوم می‌شود ولی در کتاب قصاص قانون مجازات اسلامی، قتل عمدی به عقیده صاحب‌نظران با قصد سلب حیات، کشنده بودن رفتار، کشنده بودن رفتار نسبت به فرد خاص واقع می‌شود^{۳۹}. به این ترتیب با مقایسه قوانین مجازات قبل و بعد از انقلاب، در اثر اسلامی سازی قوانین و متأثر از فقه اسلامی، کشنده بودن رفتار نه صرفاً قتاله بودن آلت، معیاری برای انطباق قتل عمدی است و دایره قتل عمدی گسترده‌تر شده است. همچنین با وجود تأکید حقوقدانان بر اینکه قتل عمدی یک موضوع خصوصی بین ولی دم و قاتل محسوب نمی‌شود و حق جامعه و نظم عمومی نیز باید لحاظ گردد، در قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱ و متأثر از فقه امامیه و اسلامی سازی قوانین، با وجود پیش‌بینی مجازات قصاص، آن یک امر خصوصی تلقی شده و فقط در ماده ۱۶ قانون مزبور در صورتی که پدر یا جد پدری فرزند خود را بکشد، علاوه بر دیه، مجازات تعزیری مقرر شد ولی بعداً در قانون مجازات اسلامی - تعزیرات سال ۱۳۷۵، متن ماده ۶۱۲ با هدف رفع این کاستی، برای قتل عمدی در فرضی که مرتکب آن به هر دلیل قصاص نشود، اعمال مجازات تعزیری مورد پذیرش قرار گرفت.

۲-۲- جرم‌انگاری و کیفرگذاری شدید

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار گفتمان آن، حوادثی در سطح اجتماعی و سیاسی ایران، در مخالفت با برنامه‌های تجویزی این گفتمان در سطح جامعه به وقوع پیوست که جنبه امنیتی یافت و با واکنش حاکمیت در قالب جرم‌انگاری و پاسخ‌گذاری کیفری نسبتاً شدید روبه‌رو گردید که در این قسمت به شرح دو موضوع برجسته آن می‌پردازیم:

۱-۲-۲- جرم‌انگاری عدم رعایت حجاب شرعی

در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ که سازمان‌ها، ادارات دولتی و مدارس کار خود را آغاز کردند هنوز زنان کارمند بدون حجاب در ادارات و سازمان‌های دولتی حاضر شدند و در خیابان‌ها هم زنان بدون حجاب شرعی رفت و آمد می‌کردند. اولین بار علمای قم به بی‌حجابی زنان اعتراض کردند و گفتند: در حکومت اسلامی همه زنان باید حجاب داشته باشند. بنی صدر اعلام کرد زن‌ها باید روسری داشته باشند. برخی گروه‌ها مانند سازمان مجاهدین خلق اطلاعیه دادند که حجاب نباید اجباری باشد و در دولت موقت هم بحث بود که آیا حجاب اجباری باشد یا خیر؟^{۴۰} بدین ترتیب به دلیل بینش‌های متفاوت نیروهای سیاسی - اجتماعی اختلاف نظرهایی در مورد حجاب محقق شد.

^{۳۸} - حسین مهرپور، «سرگذشت تعزیرات»، مجله کانون وکلا، ۱، ۱۴۸ و ۱۴۹ (۱۳۶۸)، ۹-۶۸.

^{۳۹} - حسین میر محمد صادقی، جرایم علیه اشخاص (ج ۱) (تهران: میزان، ۱۳۹۳)، ۱۲۶-۱۰.

^{۴۰} - حسن روحانی، خاطرات دکتر حسن روحانی (ج ۱) (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷)، ۵۷۱.

امام خمینی در پی اعتراض علمای قم در رابطه با حجاب، در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۱۵ می‌فرماید: «در وزارتخانه‌های اسلامی نباید زن‌های لخت بیایند؛ زن‌ها بروند، اما با حجاب باشند... با حفظ جهات شرعی باشد»^{۴۱}. ولی در مقابل اعتراضاتی ایجاد شد. از نظر امام می‌توان فهمید در وهله اول مانعی برای کار کردن زن‌ها وجود ندارد؛ در وهله دوم نظر ایشان در رابطه با حجاب، متمرکز بر وزارتخانه‌ها و محل کار خانم‌ها است و می‌خواهد نهادها و وزارتخانه‌ها، انقلابی و اسلامی باشند و به سایر اماکن کاری ندارد. در وهله سوم مخاطب آن خانم‌های کارمند است و هر خانمی را شامل نمی‌شود و علاوه بر آن ادارات را مورد خطاب قرار نداده که سخت‌گیری نمایند، بلکه به عنوان مرجع تقلید حکم قرآنی را برای زنان کارمند تبیین نموده است که بر آن‌ها واجب است که عمل کنند.

آیت‌الله اشراقی بیان می‌دارد: باید قوانین اسلام مو به مو به قدر امکان اجرا شود... معنای حجاب اسلامی هم چادر نیست. چادر یکی از مصارفش این است که خانم‌ها را بهتر می‌پوشاند^{۴۲}. آیت‌الله طالقانی نظر امام را به مصلحت زنان و مطابق موازین اسلامی می‌داند و حجاب را یک مسئله سنتی و تاریخی می‌داند که در کشورهای شرقی - اسلامی و حتی غیرمسلمان هم وجود داشته است اما حجاب را نه به معنای چادر که به معنای وقار و شخصیت زن می‌داند که نص قرآن است و بر این باور است که در حجاب برای مسلمان و غیرمسلمان اجباری وجود ندارد و در صدر اسلام در دهات و ایلات زن‌ها روسری داشته‌اند نه چادر و امام خمینی هم اجبار و اکراهی بیان نکرده‌اند؛ ما می‌خواهیم نشان بدهیم که وزات‌خانه‌های ما متحول و انقلابی شده است و از خانم‌ها می‌خواهم جنجال راه نیندازند و خواهش می‌کنم که با لباس ساده و با وقار سرکار حاضر شوند و روسری هم روی سر بپندازند^{۴۳}. امام خمینی در تاریخ ۱۳۵۷/۱۲/۲۰، نظرات آیت‌الله طالقانی را می‌پذیرد و می‌فرماید: «همان نظراتی که آیت‌الله طالقانی در مورد حجاب فرمودند مورد نظر من و صحیح است»^{۴۴}. از این رو امام و آیت‌الله طالقانی در مورد حجاب زنان اتفاق نظر دارند و بر رعایت آن در ادارات برای زنان کارمند به دلیل اینکه حکم قرآن است، تأکید می‌کنند. حجت‌الاسلام روحانی می‌نویسد: ... در ستاد ارتش با دوستان تصمیم گرفتیم حجاب را الزامی کنیم که آغازی برای وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی باشد. طرح اجباری شدن حجاب در ادارات دولتی به عهده من گذاشته شد. من کارمندان خانم را جمع کردم و با آن‌ها صحبت کردم ولی نپذیرفتند و به آن‌ها اعلام کردم که از فردا صبح دژبان از افراد بی حجاب جلوگیری می‌کند و بعد نوبت به نیروهای سه‌گانه رسید و در آنجا زنان سر و صدا راه انداختند ولی به آن‌ها گفتم دستور است و به دژبان دادیم از افراد بی حجاب جلوگیری کند و دست آخر رعایت حجاب با بخشنامه الزامی شد^{۴۵}. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در ابتدا الزام زنان به حجاب بدون حکمی از سوی امام یا سایر مراجع و در نهایت با بخشنامه و بدون قانون‌گذاری در مجلس بوده است و این در حالی است که بهره‌گیری از مقررات فروعین و اقدامات سرخودانه، منافی اصل حاکمیت قانون و مخدوش شدن اصل آزادی است.

پس از این در قانون تعزیرات مورخ ۱۳۶۲/۰۵/۱۸ عدم رعایت حجاب شرعی جرم‌انگاری و کیفرگذاری شد و تبصره ماده ۱۰۲ مقرر کرد: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به تعزیر تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد». استفاده از کلمات موسع «حجاب» که بر سر آن اختلاف است، «معابر» و «انظار عمومی»، زمینه برخورد امنیتی و کیفری در سطح جامعه مدنی و تعرض به افراد و حریم خصوصی آنان را فراهم کرد و بکارگیری شلاق برای مبارزه با بی‌حجابی تناسبی ندارد، زیرا که وارد کردن شلاق بر فردی که روسری بر سر ندارد، مجازاتی سنگین و شدید ارزیابی می‌شود.

^{۴۱} - سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام (ج ۶) (تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸)، ۳۲۹.

^{۴۲} - «در اندیشه امام خمینی: حجاب مخالف آزادی نیست»، پورتال امام خمینی، ۱۴۰۱/۰۸/۰۵، www.imam-khomeini.ir.

^{۴۳} - محمود طالقانی، آیه حجاب (تهران: انتشارات ناس، ۱۴۰۲).

^{۴۴} - «امام خمینی: نظر آیت‌الله طالقانی در مورد حجاب صحیح است»، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۴۰۲/۱۲/۲۶، Irdc.ir.

^{۴۵} - حسن روحانی، خاطرات دکتر حسن روحانی (ج ۱) (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷).

در سال ۱۳۷۵ این جرم در تبصره ماده ۶۳۸ پیش بینی شد ولی مجازات شلاق حذف و به جای آن مجازات تخیری حبس ده روز تا دو ماه یا شش میلیون و شصد هزار ریال تا سی و سه میلیون ریال اما همانطور که در سطح جامعه ملاحظه می‌کنیم، این مجازات بازدارندگی و مقبولیت نداشته و روز به روز بر جمعیت افرادی که آن را نمی‌پذیرفتند، اضافه شد.

۲-۲-۲- جرم‌انگاری امنیتی اقدامات براندازانه و تروریستی / اربعی

علاوه بر اقدامات براندازانه و تجزیه‌طلبانه که با کمک مردم و نیروهای نظامی تحت امر امام خمینی خاتمه یافتند، گروه‌هایی نیز دست به اقدامات تروریستی و ضد انقلابی زدند که به ویژه شامل ترور مقامات، قتل و ترور مردم هوادار نظام و تخریب و احراق مراکز دولتی بود. اولین گروه که دست به اقدامات تروریستی زد گروه فرقان بود که تعدادی از روحانیون و سران نظام را مورد هدف قرار داد. اعضای گروه فرقان همگی به حکم دادگاه انقلاب به استناد فقه کیفری و به جرم محاربه و افساد فی الارض، محکوم شدند. در لایحه حدود و قصاص که در ۰۹ / ۱۲ / ۱۳۵۹ به تصویب هیئت وزیران رسید و تقدیم مجلس شد، جرایم زنا، مسکر، لواط، مساحقه، قیادت، قذف و همجنس بازی مردان پیش‌بینی شده بود و این لایحه در تاریخ ۰۳ / ۰۶ / ۱۳۶۱ به تصویب کمیسیون امور قضائی مجلس رسید.

در مورد جرم محاربه اختلاف نظرانی میان فقها مطرح بود و این به ویژه در حالتی که اقدامات مرتکبین علیه مقامات حکومتی یا نهادهای حاکمیت بود، بیشتر نمود داشت. علیرضا شاه بابا یک تبریزی که از نزدیکان اکبر گودرزی سرکرده گروه فرقان است در اعترافات خود بیان می‌کند: «اگر منظور از ترور مفهوم لغوی آن یعنی ایجاد وحشت و ترس و اضطراب باشد به نظر من صحیح نیست ولی اگر منظور کشتن چهره‌های بارز این سیستم‌های حاکم باشد امری طبیعی و لازمه حرکت توحیدی است»^{۴۶} به عبارت دیگر گروه فرقان قصد محاربه و ایجاد ناامنی در میان مردم نداشته و به جای ترور مردم به ترور مقامات دولتی مبادرت کرده است که به عقیده برخی از صاحب‌نظران ظاهراً دو مقوله متفاوت اند^{۴۷}. از برخی مدارک نیز به دست می‌آید که سران نظام نیز این اقدامات را محاربه ندانسته و اقدام دادگاه انقلاب در تلقی این اقدامات به عنوان محاربه و به استناد برخی نظرات فقهی را سخت‌گیرانه قلمداد کرده‌اند. همچنین تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوال امنیتی این دوران و برخی نظرات فقهی، حاکمیت نمی‌خواهد خود را مقید به قانون کند یا به عبارت دیگر اصراری ندارد تا تمام جرایم فقهی را، قانونی کند تا محدودیتی ایجاد نشود و برای مقابله با این اقدامات به استناد شرع و با دست بازتر اقدام کند.

گروه دیگری که به اقدامات تروریستی و خراب‌کارانه روی آورد سازمان موسوم به مجاهدین خلق بودند. از ۲۴ بهمن ۱۳۵۷ تعارضات مجاهدین با نظام حاکم به تدریج شروع شد. سرپیچی از دستور امام مبنی بر خلع سلاح، حمله به سپاه پاسداران و مردم عادی و شهید و مضروب نمودن آن‌ها و بعد از آن عدم شرکت در جبهه و جاسوسی به نفع دشمنان اقداماتی است که به صورت پراکنده انجام می‌دادند. به طور کلی از اواخر سال ۱۳۵۹ و اوایل سال ۱۳۶۰ روش مجاهدین خلق در رویارویی با نظام تغییر نمود و به درگیری‌های وسیع با مردم و نیروهای کمیته، همکاری با احزاب تروریستی کردستان، سخنرانی‌های تحریک آمیز و راهپیمایی بدون مجوز روی آوردند.

در پی عزل بنی‌صدر از جانب امام در ۲۰ / ۰۳ / ۱۳۶۰ و رأی مجلس بر عدم کفایت سیاسی او در ۲۷ / ۰۳ / ۱۳۶۰ مجاهدین خلق در ۲۸ / ۰۳ / ۱۳۶۰ به‌طور رسمی وارد مرحله مسلحانه شدند و به کشتار مردم عادی، سران نظام و بمب‌گذاری مبادرت کردند. به مرور زمان، گروه مجاهدین جرایم شدیدی را مرتکب شدند مانند: دست بردن به اسلحه و سلب آسایش مردم، کشتار مردم عادی و مقامات سیاسی و شورش علیه نظام، که نمونه آن در قانون وجود نداشت و این‌ها امنیت سیاسی و اجتماعی را به خطر انداخته و می‌توانستند زمینه‌ساز حمله نظامی شوند.

- ^{۴۶} . محمد حسن روزی طلب، ترکیب التقاط و ترور (بررسی عملکرد و اسناد گروه فرقان)، (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲)، ۸۲.

- ^{۴۷} . علی حسین نجفی آبرندآبادی و حمید هاشم بیگی، دانشنامه جرم‌شناسی (تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷)، ۵۲ و ۲۷۲.

در ۱۳۶۰/۰۲/۰۸ آقای محمد منتظری، نماینده مجلس، از فتنه مجاهدین خلق یاد کردند و آیات محارب را بر آن‌ها تطبیق دادند و تقاضای شدت عمل نمودند.^{۴۸} رئیس مجلس این دوران ضد انقلاب را محارب می‌خواند^{۴۹} و اسدالله بیات نماینده مجلس می‌گوید: «در قانون مجازات اسلامی جرم محاربه متمرکز در ارتباط با برخوردهای نظامی، گروهی و تشکیلاتی که جنبه براندازی و از بین بردن نظام جمهوری اسلامی می‌باشد، است»^{۵۰} و گروهی که در دوران تصویب جرم محاربه، اقدام تروریستی انجام می‌دادند مجاهدین خلق بودند که در بین نمایندگان مجلس نظر بر محارب بودن آن‌ها به دلیل انجام اقدامات تروریستی، حاصل شد.

اقدامات خشونت‌بار سازمان مزبور، واکنش مردم و حاکمیت را موجب شد و نهایتاً لایحه حدود و قصاص در تاریخ ۱۳۶۱/۰۲/۲۱ با عنوان دنباله حدود و قصاص (شامل جرائم محاربه و افساد فی الارض و سرقت) در مجلس اعلام وصول شد و در تاریخ ۱۳۶۱/۰۷/۲۰ به تصویب کمیسیون امور قضائی مجلس رسید.

به موجب ماده ۱۹۶ آن هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد، محارب می‌باشد. وفق ماده ۱۹۷ سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم و جاده را به هم بزند و رعب و وحشت ایجاد کند، محارب است. طبق ماده ۱۹۸ هر گروه یا جمعیتی متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند، تمام افراد و هوادارانی که موضع آن گروه یا جمعیت را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف سازمان فعالیت و تلاش موثر دارند، محارب‌اند اگر چه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند؛ در ماده ۱۹۹ هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد‌اند؛ در ماده ۲۰۰ هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید، و نامزدی او به نحوی موثر باشد محارب و مفسد قلمداد می‌شوند. بنابراین به استناد این قانون اقدامات سازمان مزبور و هواداران آن‌ها سزاوار مجازات محاربه و افساد فی الارض شد.

در این قانون جرم محاربه و افساد فی الارض تحت یک عنوان مورد جرم‌انگاری قرار گرفت ولی در مواد دیگر برخی اقدامات را محاربه و برخی را محاربه و افساد فی الارض می‌داند و ظاهراً قانون‌گذار از ابتدا به جدایی جرم محاربه از افساد فی الارض نظر دارد ولی تحت تأثیر برخی نظرات فقهی زمان خود، در مورد جرم‌انگاری جداگانه، تردید می‌کند و از این رو یک جرم را تحت عنوان محاربه و دیگری را تحت عنوان محاربه و افساد فی الارض مقرر کرد و هر دو عنوان را مشمول مجازات یکسان قتل، به دار آویختن، قطع دست راست و پای چپ و تبعید کرد که انتخاب هر کدام برعهده قاضی بود.

علاوه بر جرم‌انگاری و کیفرگذاری شدید برای محاربه، یک طرح موسوم به «مالک و مستاجر» از سوی دادستانی دادگاه انقلاب نیز به اجرا درآمد. طبق طرح مذکور، مالکان منازل موظف بودند اجازه منزل خود و مشخصات مستاجرین را به مراکز انتظامی اطلاع دهند و در صورت اهمال و تشکیل خانه تیمی در این منازل، صاحب‌خانه هم شریک جرم محسوب می‌گردد.^{۵۱} این طرح که به پیشگیری از همکاری برخی با سازمان مزبور مدد می‌کرد، از آن رو که بدون تصویب در مجلس قانونگذاری، جرم و مجازات را پیش‌بینی می‌کند، اجرای یک مصوبه فروتقینی و نقض اصل قانونی بودن و نادیده گرفتن عناصر شرکت در جرم است.

^{۴۸} - اکبر هاشمی رفسنجانی، عبور از بحران ۱۳۶۰ (کارنامه خاطرات هاشمی رفسنجانی) (تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۸)، ۸۷.

^{۴۹} - «مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با روزنامه جمهوری اسلامی»، مرکز اسناد هاشمی رفسنجانی، ۱۴۰۲/۱۲/۰۵، <https://rafsanjani.ir>

^{۵۰} - مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی (۱۳۶۹/۰۱/۱۹)، روزنامه رسمی - کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، دوره سوم، جلسه ۲۲۲.

شماره ۱۳۲۸۷

^{۵۱} - وحید خضاب، مروری بر تاریخچه و تفکرات سازمان مجاهدین خلق (تهران: سوره مهر، ۱۳۹۶)، ۲۵۶.

موضوع آخرین که سیاست کیفری اسلامی برای موفقیت خود نمی تواند فقط بر جرم انگاری تکیه کند و علاوه بر آن باید علت شناسی رخداد برخی جرایم امنیتی و اتخاذ تدابیر پیشگیرانه مورد اهتمام جدی قرار گیرد. وقوع برخی اعتراضات اخیر در سطح جامعه، ریشه اقتصادی و سیاسی داشته و عدم توجه به آنها می تواند منجر به بروز حوادث امنیتی شده و بهره مندی صرف از کیفر، توانایی مقابله با آنها را ندارند.

نتیجه

بین نظام سیاسی و سیاست کیفری به عنوان یکی از ابزارهای حاکمیت، ارتباط وجود دارد. پس از وقوع یک حادثه سیاسی جناح‌های سیاسی زیادی در آن فضا و اوضاع و احوال حاکم ظهور می کنند و هر کدام گفتمان‌های را برای ایجاد جامعه مطلوب خود ارائه می دهند و با یکدیگر به رقابت می پردازند، البته تعدادی از این گروه‌های سیاسی سازمان و تشکیلات هستند و دارای پایگاه در جامعه مدنی نیستند و با قدرت مالی و عضوگیری سعی در باز کردن جای پا برای خود هستند و گفتمان‌های مغایر با جامعه را با دستاویز اصلاح جامعه مطرح می کنند.

هرگاه حتی گروه سیاسی خاصی در عرصه سیاسی پیروز شود و گفتمان آن بر کرسی بنشیند، سیاست کیفری از ارزش‌ها، باورها، آموزه‌ها و پندارهای نظام جدید و حاکمان جبهه پیروز تأثیر می پذیرد و سیاست کیفری دگرگون می شود. بدین ترتیب، گفتمان‌ها قانون‌ساز هستند و گفتمان بدون قانون، مانا نیست. از این رو در مطالعات حقوقی همواره باید اوضاع سیاسی - اجتماعی مورد توجه قرار گیرد و از علوم سیاسی برای توجیه و مطالعه سیاست کیفری استفاده شود.

آشکار است که سیاست کیفری در ایران پس از نهضت مشروطه با تحول همراه شد ولی با انقلاب اسلامی و غلبه گفتمان آن، با تحولات اساسی و مهمی روبرو شد و به سوی یک سیاست کیفری اسلامی پیش رفت و این تجربه می آموزد که تحول اساسی سیاست کیفری در ایران با تغییر نظام سیاسی و غلبه گفتمان پیروز گره خورده است ولی در فرضی که شاهد انقلاب و تغییر نظام سیاسی نبوده ایم، راه مطلوب آن است که مؤلفه‌های انتزاعی گفتمان جناح‌های سیاسی پیروز، عجولانه، دستاویز قانون گذاری قرار نگیرد و با انجام کارشناسی توسط گروه‌ها و شوراهای متخصص، مؤلفه‌های عقلانی تمام جناح‌های سیاسی که در جامعه ایرانی کارایی دارند، استخراج و زمینه ایجاد قانون فراهم شود تا از تصویب قوانین غیرضروری و نامتوازن جلوگیری شود و منافع ملی تأمین گردد.

منابع

کتاب‌ها

- امام خمینی، سید روح‌الله. شوون و اختیارات ولی فقیه ترجمه‌ی مبحث ولایت فقیه از کتاب البیع. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل انتشارات و تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۵
- امام خمینی، سید روح‌الله. ولایت فقیه: حکومت اسلامی. چاپ نهم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸
- آحمدی روحانی، حسین. سازمان مجاهدین خلق. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴
- امام خمینی، سید روح‌الله. صحیفه امام (ج ۱)، ۶، ۱۰، ۱۴، ۲۰. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۸
- آشوری، محمد. آیین دادرسی کیفری (ج ۱). تهران: سمت، ۱۳۹۵
- بهرامی، قدرت‌الله. سازمان مجاهدین خلق. قم پژوهش‌گده تحقیقات اسلامی: زمزم هدایت، ۱۳۹۱
- جبهه ملی به روایت اسناد ساواک (ج ۱). تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۹
- جبهه ملی. نظرها و پیشنهادهای جبهه ملی ایران درباره پیش نویس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. تهران: جبهه ملی، ۱۳۵۸
- جوادی آملی، عبدالله. ولایت فقیه، ولایت فقاها و عدالت. دسترس پذیر در: <http://leader.khamenei.com>. ۱۴۰۲
- خضاب، وحید. مروری بر تاریخچه و تفکرات سازمان مجاهدین خلق (از زمینه‌های تاسیس تا عملیات فروغ جاویدان). تهران: سوره مهر، ۱۳۹۶
- روحانی، حسن. خاطرات دکتر حسن روحانی (ج ۱). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷
- روزی طلب، محمد حسن. ترکیب التقاط و ترور (بررسی عملکرد و اسناد گروه فرقان). تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲
- سیر مبارزات امام خمینی به روایت اسناد ساواک (ج ۱۲). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۶
- طالقانی، محمود. آیه حجاب. تهران: انتشارات ناس، ۱۴۰۲
- میر محمد صادقی، حسین. جرایم علیه اشخاص (ج ۱). تهران: میزان، ۱۳۹۳
- منتظری، حسینعلی. مبانی فقهی حکومت اسلامی. ج ۱، ترجمه و تقریر محمود صلواتی. تهران: نشر کیهان، ناشر دیجیتال مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۴۰۲
- نادری، محمود. چریک‌های فدائی خلق (ج ۲). تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۹۰
- نجفی آبرندآبادی، علی حسین و حمید هاشم بیگی. دانشنامه جرم شناسی. تهران: گنج دانش، ۱۳۹۷
- نجفی آبرندآبادی، علی حسین. «تازه‌های علوم جنایی»، مجموعه مقاله‌ها، کتاب اول، ۱۳۹۲
- نوربها، رضا. زمینه حقوق جزای عمومی. تهران: میزان، ۱۳۹۷
- هاشمی رفسنجانی، اکبر. عبور از بحران ۱۳۶۰ (کارنامه خاطرات هاشمی رفسنجانی). تهران: دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۸

مقاله‌ها

- بهشتی‌پور، حسن. «نقش امام خمینی در مدیریت بحران گروگانگیری لانه‌ی جاسوسی آمریکا»، فصلنامه مطالعات تاریخی، ۸، ۳۰ (۱۳۹۸)، ۹۳-۱۲.
- پارسانیا، حمید، زائری، قاسم و زینب اعلمی. «بررسی مقایسه‌ای مواجهه امام خمینی و علمای سنتی با سنت (در دوره منتهی به انقلاب اسلامی)»، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، ۲، ۶ (۱۳۹۴)، ۸۸-۶۱.
- چریک‌های فدائی خلق. «آسانامه چریک‌های فدائی خلق اقلیت». نشریه کار، ۲۲، ۹ (۱۳۶۶)، ۲۳-۲۰. <https://www.archive.com>
- خانی، حسین. «انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و صورت‌بندی خرده‌گفتمان عدالت». نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، ۱۴، ۵۰ (۱۳۹۶)، ۱۶۳-۱۸۴.
- شاه علی، احمد رضا. «تأثیر واقعه تسخیر لانه جاسوسی آمریکا بر جریان سیاسی داخل کشور»، نشریه پژوهش‌های سیاسی جهان معاصر، ۲، ۳ (۱۳۹۱)، ۱۷۱-۱۴۳. <https://priw.ir/article-1-106-fa.html>

- طاهری، ابوالقاسم و حسین کریمی فرد. «هویت ملی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، نشریه مطالعات روابط بین‌الملل، ۵، ۱۸ (۱۳۹۱)، ۱۲۵-۱۵۴. <https://sanad.iau.ir/journal/prb/Article/1066537>

- کریمی مله، علی. «تاریخ چهل ساله جبهه ملی»، نشریه پانزده خرداد، ۲۰۱ (۱۳۷۵)، ۶۳-۲۳.

- لولویی، کیوان و ایوب نظری. «دولت موقت از شورای انقلاب از ۲۲ بهمن ۱۳۵۴ تا ۲۲ دی ۱۳۵۷ تا پیروزی انقلاب»، نشریه تاریخ (دانشگاه آزاد اسلامی - واحد محلات)، ۸، ۲۸ (۱۳۹۲)، ۱-۱۴. <https://sanad.iau.ir/journal/jh/Artical/992283/fullText>

- مهرپور، حسین. «سرگذشت تعزیرات»، مجله کانون وکلا، ۱، ۱۴۸ و ۱۴۹ (۱۳۶۸)، ۹-۶۸.

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. «از جرم شناسی تا آسیب اجتماعی شناسی»، تحقیقات حقوقی، ضمیمه ۵۶ (۱۳۹۰)، ۱۰۱۵-۱۰۳۲.

- هاشمی، سید حسین. «زنان و کودکان قربانیان فرقه تروریستی منافقین»، فصلنامه شورای راهبردی - مطالعات راهبردی زنان، ۱۱، ۴۳ (۱۳۸۸)، ۱۸۴-۱۸۵/۱۰.۱.۸۱۲۵.11.0.1.8.20082827.1388.1001.1..20

سایت‌ها و روزنامه‌ها

- «بررسی فرایند برگزاری همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در سال ۱۳۵۸»، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۴۰۴/۰۱/۱۱ history document.ir

- «بیانیه عده‌ای از حقوقدانان و قضات دادگستری در رابطه با لایحه قصاص»، روزنامه انقلاب اسلامی، ۱۳۶۰ / ۰۱ / ۳۰.

- «خانواده و نقش آن از نظر اسلام»، روزنامه المیزان، ۱۳۵۹/۰۶/۱۸.

- پورتال امام خمینی. «در اندیشه امام خمینی: حجاب مخالف آزادی نیست»، ۱۴۰۱/۰۸/۰۵، www.imam-khomeini.ir

- روزنامه رسمی - کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای، مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، (۱۳۶۹/۰۱/۱۹)، دوره سوم، جلسه ۲۲۲

- محسن کدیور. «لایحه قصاص و حکم ارتداد جبهه ملی». ۱۳۹۶، <http://kadivar.com/?p=16159>

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. «امام خمینی: نظر آیت‌الله طالقانی در مورد حجاب صحیح است». ۱۴۰۲/۱۲/۲۶، [Irdc.ir](http://irdc.ir)

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. «نقش مردم در حل بحران حزب خلق مسلمان». ۱۳۹۷/۱۱/۱۷، irdc.ir

- مرکز اسناد انقلاب اسلامی. «نوآوری شهید بهشتی در منصب قضا». ۱۳۹۹/۰۴/۰۷، irdc.ir

- مرکز اسناد هاشمی رفسنجانی. «مصاحبه آیت‌الله هاشمی رفسنجانی با روزنامه جمهوری اسلامی». ۱۴۰۲/۱۲/۰۵، <https://rafsanjani.ir>

- مرکز بررسی اسناد تاریخی. «گذری بر زندگی علمی و سیاسی آقای سید کاظم شیعتمداری». ۱۴۰۴/۰۱/۱۱، [https:// historydocuments.ir](https://historydocuments.ir)

- نهضت آزادی. «نظر نهضت آزادی نسبت به فتوایه ولایت مطلقه فقیه یا انقلاب چهارم»، ۱۳۶۶/۱۰/۳۰، <https://nehzate-azadi.org>

- نهضت آزادی. «مرام‌نامه نهضت آزادی، ایران و راهبردها و سیاست‌ها». ۱۴۰۰/۰۶/۲۵، <https://nehzate-azadi.org>